

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

راینر روپ

فرستنده: عثمان حیدری

۰۹ اگست ۲۰۱۸

در غرب ترس حاکم شده، ترس از صلح



ملاقات سران دوکشور ایالات متحده آمریکا و روسیه هر نوعی هم که به پایان برسد، یک نتیجه آن محرز است: گفتمان با یک دیگر همیشه بهتر از تیراندازی به سوی یک دیگر است! متأسفانه خبرگان نظامی غرب از این منظر حرکت نمی‌کنند. در هلسینکی ممکن است صلح تحقق یابد ولی درست به همین دلیل جنگ‌افروزان جامعه «بی» ارزشی غربی از واشنگتن گرفته تا لندن و برلین به شدت نگرانند. حتا در رادیو «دویشلاند فونک» که اغلب مورد تمجید قرار می‌گیرد در مورد خطر یک پیمان نوین بین ترمپ و ولادیمیر پوتین توسط تحلیلگر فرستنده «تیلو کوسلر» هشدار داده شد. او گفت ملاقات این دو در هلسینکی «بسیار خطرناک» است زیرا ترمپ قصد دارد «نظم امنیتی جهانی» را نیز تغییر دهد. روزنامه «بیلد» نتوانست سکوت کند و سرتیتر «ترمپ با پوتین ملاقات می‌کند. این ملاقات برای ما تاجه حد خطرناک خواهد بود؟» را منتشر نمود.

رسانه ها، سیاستمداران و «کارشناسان» همگی در هراس اند که شاید ترمپ موفقیت دیپلماتیک روسیه در جهت استقرار صلحی مستمر در سوریه و در منطقه را به رسمیت شناسد و وعده انتخاباتی خود را تحقق بخشیده و کلیه نیروهای نظامی امریکا را از منطقه خاور میانه خارج کرده و به میهنشان بازگرداند. در عین حال آنها در ناتو نگرانند که نکند ترمپ در هلسینکی با پوتین به توافق برسد.

این توافق مثلاً می تواند این طور باشد که به جای تشدید تحریمات غربی و قدرتمانی نظامی تهدیدآمیز در مرزهای روسیه ترمپ و پوتین توافق کنند که نکات مورد اختلاف بین شرق و غرب را برسر میز مذاکره حل نمایند. چند هفته قبل در سنگاپور ترمپ در ملاقات با رئیس جمهور کوریای شمالی با چنین اقدامی مورد تعجب همگان واقع شده بود. آیا ترمپ و پوتین قادر خواهند بود نسخه موفقیت آمیز دهه ۸۰ را مجدداً پیدا کنند؟

برای «کارشناسان» سیاست های امنیتی غرب چنین توافقی با روسیه توهین به مقدسات است. البته در اواسط دهه ۸۰ در غرب نیز این شناخت وجود داشت که مذاکره با یکدیگر بهتر از تیراندازی به روی هم می باشد. این شناخت نشان می دهد که سیاست امنیتی تنها وقتی بادوام خواهد ماند که امنیت من امنیت حریف مقابل را به خطر نیفکند و از بین نبرد. به این شکل که مثلاً یک طرف خود را تا دندان مسلح سازد به جای این که با طرف مقابل در جست و جوی تعادلی در سطح پائین تر خلاقانه به تعامل بنشیند.

دقیقتر بگوئیم به این صورت که امنیت من باید در عین حال به معنای امنیت طرف مقابل باشد. از این شناخت اساسی که اواسط دهه ۸۰ روابط ناتو با پیمان ورشو را متحول کرد، خبرگان نظامی غرب امروز مجدداً سالهای نوری دور اند.

معماران غربی سیاست ابرقدرتی، مدل تحمیلی خود را در خطر می بینند. طی دو دهه سلطه مطلقه جهانی تنها ابرقدرت باقیمانده، استابلیشمنت امریکای شمالی هنر والای دیپلماسی را از یاد برد و فراموش کرد. به جای آن واشنگتن روز به روز بیشتر با شیوه های ساده ولی بسیار خشن تهدیدات باج خواهانه و تجاوزات نظامی، خواستهای خود را تحمیل کرد. با این سبک کار که نظم جهانی به اصطلاح «لیبرال» غربی را تضمین می کرد، چندین نسل از سیاستمداران، «کارشناسان» و روزنامه نگاران در ایالات متحده امریکا و کشورهای همپیمان آن ترقی شغلی خود را به پیش بردند و به برکت کمکهای سخاوتمندانه مجتمع صنایع نظامی و امنیتی نیز ثروتمند شدند. اکنون آنها این جهان خود را به خاطر پیامدهای احتمالی ملاقات پوتین و ترمپ در خطر می بینند.

آنها نگران مدل جنایتکارانه ای که از قبل آن ده ها سال سود برده و ارتزاق کرده اند می باشند. این مدل برپایه ویرانی، گرسنگی، بیماری و مرگ میلیون ها نفر و برپایه بیرون راندن مردمان بومی از سرزمینهای خویش بنا شده است. تنها نگاهی به خاور نزدیک، کافی است: وضعیت مردم امروز در آنجا آیا بی نهایت بهتر نبود اگر ایالات متحده امریکا و نظامیان غربی از کمک های «دمکراتیک» خود صرف نظر کرده بودند.

منبع: نویه راینیشه تسایتونگ

تارنگاشت عدالت